

شماره کارت:
۸۷۰

ترجمه و برداشتی
از
قرآن مجید

جزوه بیست و هشتم

ترجمه و برداشت از: استاد سید حسن ابطحی
تنظیم موضوعی: جمعی از دانشمندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ

وَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ لَا سِيَّما عَلَى
بَقِيَّةِ اللَّهِ رُوحِي وَأَرْوَاحِ الْعَالَمِينَ لِتُرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِداءِ

«پیشگفتار»

این جزو با موضوع بندی مسئله «ترکیه نفس» از آیات قرآن تنظیم شده و هر آیه‌ای که مربوط به موضوعی از این علم است بعد از همان آیه ترجمه شده و سپس برداشتی از آیات در فصل جداگانه‌ای ارائه داده شده است. و بخاطر آنکه مباحثمان فعلاً در مسائل ترکیه نفس است قبل از مسائل اعتقادی آیاتی که مربوط به مراحل ترکیه نفس است در این جزو آورده شده است.

ضمناً نباید گمان کرد، آنچه را که در اینجا می‌نویسیم تفسیر آیات قرآن بوده و یا حتی توضیح قرآن است. بلکه فقط یک نوع راهنمایی است که برای تدبیر بیشتری در قرآن و توجه دوستان به سخنان حضرت حق جل و علا یادآوری شده است.

تا انشاء الله سالکین الى الله با تأمل زیادتی موفق به قرائت قرآن گردند. و ضمناً آیاتی که در این جزو قرائت می‌شود جابجا شده و تنظیم موضوعی گردیده است.

بعنی اگر شما بخواهید آیاتی که مربوط به ترکیه نفس است را پشت سرهم قرائت کنید به ترتیب قرآن مجید در این جزو آورده شده است و بعدها سائر آیات که مربوط به عقاید و فروع احکام است در جزوات جداگانه‌ای آورده خواهد شد انشاء الله.

به امید موقیت و السلام

سید حسن ابطحی



أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

آيات ٤٣ - ٦٢ از سوره یوسف

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَا كُلُّهُنَّ سَبْعَ عِجَافٍ وَسَبْعَ سُبْلَاتٍ خُضْرٍ وَأَخْرَ يَابِسَاتٍ يَا آئِيهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايِ
إِنْ كُنْتُمْ لِرُؤْيَا تَعْبُرُونَ (٤٢) قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ
الْأَحْلَامِ بِعَالَمِنَ (٤٤) وَقَالَ الَّذِي نَجَّا مِنْهُمَا وَأَدَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةً أَنَّا
أَنْتُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسَلُونَ (٤٥) يُوسُفُ آئِيهَا الصِّدِيقُ أَفْتَنَا فِي سَبْعِ
بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَا كُلُّهُنَّ سَبْعَ عِجَافٍ وَسَبْعَ سُبْلَاتٍ خُضْرٍ وَأَخْرَ يَابِسَاتٍ
لَعَلَّنِي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَغْلَمُونَ (٤٦) قَالَ تَرْزَرَ عُونَ سَبْعَ
سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُبْلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ (٤٧) ثُمَّ
يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعُ شِدَادٍ يَا كُلُّنَّ مَا قَدَّمْتُمْ هُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا
تُحْصِنُونَ (٤٨) ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ
يَعْصِرُونَ (٤٩) وَقَالَ الْمَلِكُ أَتَتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الْرَّسُولُ قَالَ أَرْجِعْ

إِلَى رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بِالنِّسْوَةِ أَلَّا تَقْطَعْنَ أَيْدِيهِنَّ إِنَّ رَبِّي

بِكَيْدِهِنَّ عَلَيْمٌ (٥٠) قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَأَوْدُتُنَّ يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ

خَاشِ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأُتُ الْعَزِيزِ أَلَا نَحْضَرَ

الْحَقَّ أَنَا رَأَوْدُتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لِمِنَ الصَّادِقِينَ (٥١) ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي

لَمْ أَخْنُهُ بِالْغَيْبِ وَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ (٥٢) وَمَا أَبْرِئُ نَفْسِي

إِنَّ النَّفْسَ لَا مَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ (٥٣)

وَقَالَ الْمَلِكُ أَئْتُونِي بِهِ أَشْتَخِلُصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ

لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ (٥٤) قَالَ أَجْعَلْنِي عَلَى خَرَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِظْ عَلَيْمٌ (٥٥)

وَكَذِلِكَ مَكَنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَبَوَّءُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا

مِنْ نَشَاءٍ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُخْسِنِينَ (٥٦) وَلَا جُرُّ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ

أَمْتُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (٥٧) وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفُوهُمْ

وَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ (٥٨) وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ قَالَ أَئْتُونِي بِأَنْتَمْ لَكُمْ

مِنْ أَيْكُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِ الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزَلِينَ (٥٩) فَإِنْ

لَمْ تَأْتُونِ بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ (٦٠) قَالُوا سَنُرَا وَدُعَنِ

أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ (٦١) وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ أَجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ

لَعَلَّهُمْ يَغْرِفُونَهَا إِذَا أَنْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (٦٢)

ترجمه آيات ٤٣-٤٢

و شاء گفت: من در خواب می دیدم هفت گاو فربه را هفت گاو لاغر می خورند و هفت خوشة سبز و هفت خوشة خشک را دیدم. ای بزرگان، نظرتان را درباره خواب من بگوئید، اگر می توانید خواب را تعبیر کنید. (۴۳)

گفتند: این خوابها باطل و بیهوده است و ما تعبیر خوابهای باطل و بیهوده را نمی دانیم. (۴۴)
و آن کسی که از آن دوزندانی، نجات یافته بود، بعد از مدت زمانی به یاد آورد. گفت: من به شما تعبیر این خواب را خبر می دهم، پس مرا بفرستید. (۴۵)

بوسف، ای راستگو، نظر بد به ما درباره هفت گاو چاقی که هفت گاو لاغر آنها را بخورند و هفت خوشة سبز و هفت خوشة خشک. من شاید به طرف مردم برگردم، شاید آنها بدانند (که چه باید بکنند). (۴۶)

بوسف گفت: هفت سال پشت سر هم گندم می کارید و هر چه را درو می کنید، آن را در خوشه اش بگذارید، مگر کمی که می خواهید بخورید. (۴۷)

سپس بعد از آن، هفت سال سخت می رسد که باید آنچه را که در قبل ذخیره کرده اید بخورید، مگر مقدار کمی که برای بذر نگه می دارید. (۴۸)

سپس بعد از آن، سال خوبی که در آن باران رحمت بر مردم می بارد و میوه و فشردنیها زیاد می گردد، خواهد آمد. (۴۹)

و پادشاه گفت: یوسف را نزد من بیاورید. وقتی فرستاده نزد یوسف رفت، یوسف گفت: برگرد نزد اربابت. از او سؤال کن که جریان زنانی که دستهای خود را بریدند چه بود؟ زیرا قطعاً پروردگار من به حیله آنها دانا است. (۵۰)

پادشاه به زنان گفت: آن وقتی که یوسف را برای رابطه با او دعوت کردید، جریان شما چه بود؟ زنها گفتند: حاشا لله، ما هیچگونه بدی از او اطلاع نداریم.

زن عزیز مصر گفت: الان حق آشکار شد. من او را به خود دعوت کردم و می خواستم با او ارتباط

داشته باشم و قطعاً او از راستگویان است. (۵۱)

ابن گنтар به حاضر ابن است که بداند من در پشت سر او به او خیانت نکردم و قطعاً خدا حبله
خیانت کنندگان را راهنمایی نمی‌کند. (۵۲)

و من خود را تبرئه نمی‌کنم. قطعاً نفس، انسان را بسیار به بدی امر کننده است، مگر آنکه را پروردگار
من رحم کند. قطعاً پروردگارم بخشنده مهربانی است. (۵۳)

و پادشاه گفت: او را نزد من بیاورید تا او را از خواص خود گردانم. پس وقتی که با او حرف زد، به
یوسف گفت: تو امروز نزد ما با قدرت و مورد اعتمادی. (۵۴)

یوسف گفت: مرا مدبر خزانی زمین قرار بده. قطعاً من نگهدارنده دانائی هستم. (۵۵)
وابنگونه ما برای یوسف در روی زمین قدرت و تمکن قرار دادیم. او هر کجا که می‌خواست در زمین
منزل می‌کرد. ما رحمت خود را نسبیت هر کس که بخواهیم می‌کنیم و اجر نیکوکاران را ضایع
نمی‌کنیم. (۵۶)

ولی یقیناً اجر آخرت برای کسانی که ایمان آورده و تنها پیشه کرده‌اند، بهتر است. (۵۷)
برادران یوسف آمدند و بر او وارد شدند و یوسف آنها را شناخت و لی آنها او را نشناختند. (۵۸)
و وقتی بارهای آنها را مججهز کرد، گفت: برادر پدریتان را نزد من بیاورید. آیا نمی‌بینید که من پیمانه را
کامل می‌دهم و من بهترین میزبانان هستم؟ (۵۹)

پس اگر او را نزد من بیاورید، پیمانه‌ای نزد من برای شما نخواهد بود و نزدیک من نشوید. (۶۰)
گفتند: ما به زودی با پدرش درباره او گفتگو می‌کنیم و قطعاً ما این کار را خواهیم کرد. (۶۱)
و یوسف به خدمتگزارانش گفت: مبلغشان را که پرداخته‌اند، در بارهایشان بگذارید. شاید آنها وقتی
به نزد خانواده‌شان می‌رسند، آن را پیدا کنند و شاید به این حاضر برگردند. (۶۲)

بوداشت از آیات ۴۳-۶۲

سالک الى الله باید امور زیر را که برداشتی از این آیات است، مورد توجه قرار دهد:

اول: سالک الى الله باید نسبت به مردم و حتی دشمنان، مهربان باشد و آنها را صحیح راهنمایی کند
و نگذارد به آنها صدمه‌ای بی جهت وارد شود.

دوم: سالک الى الله باید نفس امّاره به سوء خود را با جهاد با نفس، به امّاره به نیکی تغییر دهد و این
کار فقط با تزکیه نفس انجام می‌گردد.

سوم: سالک الى الله باید بکوشد که اگر به قدرتی دست یافت، خود را مقهور آن قدرت قرار ندهد
و بخصوص با اقوام و نزدیکانش صلة رحم کند و نگذارد آنها از اعمال زشت گذشته خود زیاد
شرمنده گرددند.